



Persian Language International Teaching Studies
Vol. 10, Issue 19, 2024; pp (203-218)
DOI: 10.22034/MAZ.2025.10589



مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی
دوره ۱۰، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۳؛ صفحات (۲۰۳-۲۱۸)
نشریه علمی / مقاله پژوهشی

Language Transformation in Cyberspace and Its Impact on Language Teaching*

Majid Houshang¹

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

Abstract

The interference and blending of languages is a cultural and natural phenomenon in the process of communication in the modern world, leading to the infiltration and sedimentation of vocabulary and grammatical rules from one linguistic domain into another. In contemporary times, often referred to as the “postmodern era,” virtual spaces and the global internet have introduced a new structure to these linguistic interactions. In this context, a new type of discourse has emerged, resulting in the rapid production or transformation of the standard language. These changes have not only altered the phonological and written forms of language but have also affected the grammatical and syntactic systems, introducing new vocabulary into the linguistic cycle—words that sometimes have different meanings from their written appearance and whose practical usage may diverge from the standard language. The interference between virtual language and the society’s official language, especially in the field of teaching Persian to non-Persian speakers, has created challenges. Using a descriptive-analytical method, the present study seeks to answer the question of what role virtual spaces play in causing language disorders and the emergence of crises in the education process. It also aims to examine the dimensions of this linguistic interference and to analyze and categorize its threats at the lexical, phonological, and syntactic levels.

Keywords: Linguistic interference, standard language, virtual space, neologisms (new words).

* Receive Date: 12 November 2024 | Revise Date: 09 January 2025 | Accept Date: 08 February 2025

¹ Email: m.houshang@alzahra.ac.ir

دگر دیسی زبان در فضای مجازی و تأثیر آن بر آموزش زبان*

مجید هوشنگی^۱

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،

چکیده

تداخل و آمیختگی زبان‌ها، پدیده‌ای فرهنگی و طبیعی در روند ارتباطات جهان مدرن است که این روابط موجب نفوذ و رسوب واژگان و قواعد دستوری از یک حوزه زبانی به زبان دیگر می‌شود. در دوران معاصر که از آن با عنوان «دوران پست‌مدرن» یاد می‌شود، فضای مجازی و اینترنت جهانی ساختار تازه‌ای به این تعاملات زبانی بخشیده‌اند. در این بستر، نوعی گفتمان نوظهور شکل گرفته که باعث تولید یا دگرگونی سریع زبان معیار شده و این تغییرات نه تنها فرم آوایی و نوشتاری زبان را دگرگون کرده، بلکه نظام دستوری و نحوی زبان را نیز تحت تأثیر قرار داده است و واژگان تازه‌ای را وارد چرخه زبانی کرده‌اند؛ واژگانی که گاه معنایی متفاوت از ظاهر نوشتاری خود دارند و در حوزه کاربردی‌شان نیز با زبان معیار فاصله دارند. تداخل میان زبان مجازی و زبان رسمی جامعه، به‌ویژه در حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، چالش‌هایی ایجاد کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که فضای مجازی چه نقشی در بروز اختلالات زبانی و شکل‌گیری بحران در فرایند آموزش ایفا می‌کند. همچنین تلاش می‌شود تا ابعاد این تداخل زبانی بررسی شده و تهدیدهای آن در سه سطح واژگانی، آوایی و نحوی تحلیل و دسته‌بندی گردد.

واژه‌های کلیدی: تداخل زبانی، زبان معیار، فضای مجازی، واژه‌های نو.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ | پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

¹ Email: m.houshanghi@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه

تحول در فناوری‌های ارتباطی طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه با ظهور اینترنت و گسترش فضای مجازی، موجب دگرگونی‌های بنیادینی در سطوح مختلف تعاملات انسانی شده است. این پدیده، که می‌توان آن را از شاخص‌ترین جلوه‌های عصر پست‌مدرن دانست، اکنون به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کنش‌گر در عرصه‌های فکری، فرهنگی و زبانی در سطح جهان شناخته می‌شود. فضای مجازی، با ظرفیت‌های گسترده و ساختار میان‌رسانه‌ای خود، به‌رغم تسهیل ارتباطات و توسعه دانش، زمینه‌ساز برخی از چالش‌های نوظهور به‌ویژه در حوزه‌ی زبان و گفتمان نیز گردیده است.

در حالی که کارکردهای اصلی فضای مجازی در راستای ارتقای سطح تعاملات و ارتباطات انسانی تعریف شده‌اند، اما تأمل در پیامدهای آن نشان می‌دهد که این فضا می‌تواند یکی از بسترهای آسیب‌پذیر در زمینه‌ی زبان به‌شمار آید. اختلال در ساختار زبان، دگرگونی در کاربرد واژگان، تضعیف نظام نوشتاری و آوایی، و گسترش ناهنجاری‌های زبانی، از جمله پیامدهای گفتمان مجازی در تعامل با زبان معیار هستند. این چالش‌ها به‌ویژه در جوامع دارای سرمایه فرهنگی و زبانی غنی، نمود آشکارتری یافته و قابلیت تحلیل و ارزیابی دقیق‌تری می‌یابند. بر اساس یافته‌های میدانی، برخی از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های پرکاربرد نظیر **فیسبوک**، **اینستاگرام**، **تویتر**، **تلگرام** و **واتس‌آپ**، به‌عنوان مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری زبان مجازی، نقش فعالی در تکوین گونه‌ای از زبان غیررسمی و فراتر از هنجارهای زبان معیار ایفا کرده‌اند. این بسترها، با ویژگی‌هایی همچون سرعت بالای تبادل پیام، گمنامی نسبی کاربران، و گرایش به اختصار و عامه‌پسندی، زمینه را برای گسترش گونه‌ای از زبان فراهم آورده‌اند که با زبان رسمی و آموزشی تفاوت‌های بنیادینی دارد.

اگرچه مفهوم «شبکه‌های اجتماعی» در معنا و کارکردهای سنتی خود ریشه در تاریخ اجتماعی بشر دارد، اما صورت‌بندی نوین این پدیده در قالب پلتفرم‌های دیجیتال، واجد کارکردهای جدیدی است که بازخوانی و بازتعریف آن‌ها در حوزه‌ی زبان‌شناسی و مطالعات آموزشی ضرورت می‌یابد. در این میان، پرسش بنیادین این پژوهش آن است که

گونه‌شناسی و تحلیل کارکردی زبان مجازی در تعامل با زبان معیار، چه تأثیری بر ساختار و فرآیند آموزش زبان، به‌ویژه برای فارسی‌آموزان غیربومی دارد؟ پژوهش حاضر در تلاش است با بهره‌گیری از روش تحلیل توصیفی، ابعاد این تداخل زبانی را در سه سطح واژگانی، آوایی و نحوی بررسی کرده و پیامدهای آن را در حوزه آموزش زبان فارسی مورد تحلیل قرار دهد.

۲. شبکه‌های اجتماعی: تعریف و ماهیت

واژه‌ی شبکه اجتماعی نزدیک به یک قرن است که به مجموعه‌ی روابط میان انسان‌ها در تمامی سطوح فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود و جان آرونلد بارنس در سال ۱۹۴۵ این واژه را برای نخستین بار در ساختار علوم اجتماعی مطرح نمود. و این اصطلاح را برای مطالعات گروه‌های اجتماعی محدود مانند قبیله و خانواده و طبقات اجتماعی مانند جنسیت و قومیت به کار برد. (freeman, 2006: 27) که تحلیل این شبکه‌ها به شناخت و استیلا بر برهان‌های تحلیلی، ساختاری و روابط میان افراد و تحلیل اخلاق و رفتار اجتماعی، خواهد انجامید که تمامی شناخت‌های بشری در خلال آن تعریف و دسته‌بندی می‌شود و تحلیل آن علاوه بر بحث بر روی اشخاص و گروه‌ها و سازمان‌ها، بر چگونگی ساختار رشته‌ها هم متمرکز است. (Wellman&berkowitz, 1988) آنچه جامعه‌شناسان بر آن توافق دارند این است که نتیجه‌ی تحلیل شبکه‌های اجتماعی به گستره و عمق تاثیر آن بر ساختار جامعه و هنجارها خواهد انجامید.

واضح است که انسان‌ها برای کسب موفقیت و نیل به پیشرفت‌های اجتماعی ارتباطات خود را با شبکه‌های اجتماعی وسیع‌تر و چندجانبه می‌کنند تا ارتباطات زیاد و ثبات درون شبکه‌ای داشته باشند. و از همه مهمتر می‌توانند بین شبکه‌های متعدد ارتباط برقرار کرده و نقش واسطه‌گری ایفا کنند که این خود به بقا و ثبات و پیشرفت انسان‌ها کمک می‌کند. (scott, 1991) از همه مهمتر شبکه‌های اجتماعی نقش کلیدی در ارتباط، تبادل فرهنگی و موفقیت‌های تجاری و پیشرفت‌های کاری ایفا می‌کنند و حتی قادر خواهند بود که کاربران‌شان را در برابر واکنش دیگر اعضای شبکه حساس و حتی کنشگر کند و بدین وسیله

افراد را در خصوص موضوعات متفاوت فعال، حساس و حتی منفعل گرداند. این اصول شبکه‌های اجتماعی در تمامی سطوح آن است اعم از مجازی و غیر مجازی، اما شبکه‌های اجتماعی مجازی این امکان را صد چندان کرده و ظرفیت شکل‌گیری اجتماعات جدید کاربران را فراهم نموده است. که علاوه بر غیر حضوری بودن و ارتباط با واسطه‌ی این شبکه (بر خلاف دیگر شبکه‌ها) به قوت می‌توان از آن به عنوان یک اجتماع انسانی یاد کرد.

به گمان پژوهش‌های نوین، تمایل انسان امروزی بر حضور در شبکه‌های مجازی بیشتر از صورت شبکه‌های حقیقی است زیرا علاوه بر یافتن دوستان جدید و قدیم، افراد از آزادی بیان عقاید و نظرات خود برخوردار بوده و جایگاهی برای تبادل نظر و گفتگوی بی‌واهمه می‌یابند و قادر خواهند بود تا عقاید و نظرات خود را به اشتراک و بحث گذاشته و در دنیای مجازی شاخص‌ها و اولویت‌های مورد علاقه خود را براحتی و به گستردگی در خواهند یافت. استفاده از خدمات شبکه‌های اجتماعی مجازی، بصورت فزاینده‌ای در حال گسترش است و می‌توان ظهور تارنماهای مجازی چون‌یاهو و موتورهای جستجوگر مانند گوگل را نام برد. کاربران می‌توانند در این فضا، با ساخت وبلاگ، اکانت فیس بوک، توئیتر و... خود را به‌طور خلاصه بازسازی و از خود یک هویت مجازی و آمالی تعریف نمایند. در ایران نیز بهره‌مندی از این شبکه‌های اجتماعی آزاد است و استفاده از آن به همان گونه و کاربرد جهانی و با اندکی تفاوت رواج دارد که این گستردگی شبکه‌های مختلف اجتماعی در جامعه‌ی ایرانی و فارسی‌زبانان باعث شده است، فواید آن تا حدودی دستخوش صدمات آن شود و بافتار مثبت آن علاوه بر حضور و قوام کامل، با یک سلسله کاربردهای نادرست و تهاجم‌های شکننده جلوه نماید که مهمترین این شکنندگی‌ها را می‌توان به تغییر در نظام فکر، فرهنگ و زبان جامعه‌ی ایرانی مرتبط دانست.

۱-۲ روابط زبانی

در آموزش زبان بطور اعم و بویژه آموزش زبان خارجی، یکی از مواردی که بسیار بر آن تاکید می‌شود مبحث تداخل زبانی است. در حقیقت آموختن یک زبان منوط به یک فعالیت آگاهانه و یا یکفرایند تجربی است که به تسلط و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به یک سیستم زبانی و

جایگاه آن مربوط می‌شود. حال این آموزش زبانی چه در حوزه‌ی زبان مادری و چه در آموزش زبان‌های دیگر با یک معضل مهم تحت عنوان تداخل همراه است. این مساله در یادگیری زبان‌های خارجی و یا آموزش سیستم جدید زبانی بیشتر معطوف به تداخل زبان مادری در زبان دوم است. به بیان واضحتر، نقش کلیدی زبان مادری چه از جهت واژگانی و چه از جهت دستوری و نحوی، شکل آموزش زبان را در فرد، دستخوش تغییر می‌کند و آموزش زبان را دچار اختلال می‌نماید. به عنوان نمونه اگر در زبان فارسی حرف نفی برای منفی کردن جمله بر سر فعل آورده شود، زبان آموز در یادگیری زبان دوم نیز به صورت ناخودآگاه از این تکنیک استفاده کرده و دچار اختلال می‌شود.

این عدم سنخیت نحوی زبان‌ها در حوزه‌ی واژگانی نیز وارد شده و و این اختلافات بر سر بار معنایی واژگانی بیشتر نمود می‌یابد و همچنین در تطبیق یک معنا از واژه‌ی زبان مادری در واژه‌ای دیگر از زبان دوم و زبان مقصد در ترجمه‌ها. و البته مبحث تداخل زبانی در حوزه‌ی سوم یعنی آواها نیز نمود یافته و لهجه و شاکله‌ی زبان مادری در آموزش زبان دوم ورود یافته و شکل آموزش را اندکی با اختلال مواجه می‌کند. لذا پژوهشگران معتقد که هر چه سن فرد در آموزش بیشتر باشد، مبارزه با تداخل زبانی در آن سختتر خواهد بود و این امر برای او نوعی کوشش ارادی و هدایت شده می‌نماید. (حسنیان، ۱۳۶۶: ۱۳۵)

اما با توجه به این نگاه، و با توضیح مختصری که در بخش گذشته نسبت به شبکه‌های اجتماعی و نقش آن در ایجاد گفتگو و ارتباط انسان‌ها بیان گردید، می‌توان به یک رویکرد جدید در تداخل زبانی رسید که بر خلاف رویکردهای گذشته، بسیار نوپا و جدید است و نقش تعیین کننده‌ای در هویت بخشی و حتی آموزش زبان به کودکان و غیر فارسی زبانان ایفا می‌کند؛ یعنی می‌توان زبان مجازی و جنس کلام فضایی مجازی را به عنوان یک خطر و ساختار تحریفی در آموزش زبان فارسی قلمداد کرد که در بافتار نحوی، واژگانی و حتی صوتی، نقش تداخلی در شکل گیری زبان ثانوی در ذهن زبان آموز ایفا می‌کند.

البته زبان فارسی تا کنون دستخوش تغییرات زیادی شده و با ورود زبان‌هایی چون عربی، مغولی، انگلیسی و فرانسوی در آستانه‌ی تحولات گوناگونی قرار گرفته است اما این

مسائل با توجه به جهانی شدن اینترنت و شکلگیری نظام جدید زبانی وارد فازی نوین و دگرگونه از تحریف گردیده و بسیار مسأله‌ی آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به بیان صریحتر، زبان آموز طبیعتاً در برابر شکل هنجار زبانی یک حالت تدافعی با توجه به استیلای زبان مادری خویش داشته و در برابر آن ایستادگی می‌کند، و با توجه به اختلالات ناشی از فضای مجازی در شکل زبان هنجار، این شکنندگی و گریزپایی، شدیدتر و سریعتر شده و زبان آموز در برابر دو تداخل می‌بایست مقابله کند؛ یکی زبان زبان دوم و دیگری فهم شکل درست زبان دوم از شکل متداول در فضای مجازی. که می‌بایست اقرار کرد که شکل زبان مجازی رسماً به یک قانون در فضای زبان هنجار مبدل شده و نظام نوشتار فرد بسیار تحت تأثیر نوشتار مجازی و غلط‌ها و اشتباهات رایج در آن قرار می‌گیرد.

شکل‌های متنوع از یک واژه، تغییر در جایگاه حروف، تغییر در کاربرد حروف هم صوت، تغییر در کاربرست معنای واژه، شکستن ساختار نحوی به جهت تسریع و طنز در متن، استفاده از برجسب (استیکر) به جای واژه و بسیاری از این دست اختلالات در حوزه‌ی نوشتار که آرام آرام جایگاه درست کلام را متزلزل کرده و خود را در نظامی جعلی وارد زبان می‌کند البته باید تأکید کرد که ارتباط زبان فارسی و زبان‌های بیگانه از بدو شکلگیری تاکنون، دوره‌تأثیر و تأثر گوناگونی را به خود دیده این ارتباط زبانی در قرن‌های اول تا سوم هجری دوره‌ی اوج خود را سپری کرده و تا کنون آمیزش‌های گوناگونی را به خود برگزیده است. اما هیچکدام از این ترکیب‌ها و داد و ستدها و گره برداری‌ها، در ماهیت خود از یک نظام غلط الهام و تأثیر نپذیرفته و همواره یک برخورد بین زبان‌ها تلقی شده که بحث بر سر چرایی این روابط و اشتباهات ناشی از این همزیستی است. اما در روابط بین فضای مجازی و زبان معیار، اساساً با یک زبان جعلی و سرشار از اشتباهات مبنایی مواجهیم که نوع گفت‌وگو بین دو زبان را از اساس دچار بحران کرده و این بحران که رنگ و بوی غلبه نیز بر خود گرفته است، بیش از هر چیز نسل نوآموز زبان و همچنین غیر فارسی‌زبانان را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ و ورود وام‌واژه‌های بسیار فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به فارسی معیار، صرف نظر از جنبه‌های مخرب و منفی در کاربرد زبان، آموزش گفتگوی بین زبان فارسی و

دیگر زبان‌ها را دچار اختلال می‌گرداند. زیرا ناآشنایی با این واژگان مجازی و نوساخته و بی‌ریشه، که در فارسی کاربرد کاملاً رایجی نیز یافته‌اند، مترجمان از زبان فارسی به دیگر زبان‌ها و دانشجویان مترجم را نیز دچار بحران معنایی و شکلی در کلام کرده و می‌تواند منشا ترجمه‌های ناکارآمد و جعلی و مغلوطن باشد.

۳. شکل‌های تاثیر زبان مجازی در زبان فارسی

روابط زبان معیار و زبان شبکه‌های مجازی بیش از آنکه رابطه‌ی دوسویه‌باشد، نقش مخرب یک سویه دارد، و با آنکه این دو زبان از یک زیست‌مایه و خانواده‌ی مشترک زبانی قرار گرفته‌اند، این رابطه از یک حرکت مثبت و گفتمان مشترک به یک خط یکسویه‌ی مخرب تغییر مسیر داده است. شاید دلیل آن را بتوان در نقش جایگزینی امپراتوری مجازی و نرم، به جای استیلای محیطی و خاکی جستجو کرد. استیلای عظیم زبان مجازی و اینترنت، در دوره‌ی کنونی واژگان فراوان اداری، دینی، زیست‌شناسی، محاوره‌ای، آیین‌ها و... را تحت دگرگونی و تغییر مورد پسند خود قرار داده و حتی دریچه‌ی شکل‌ها و تصویرها را به روی زبان باز کرده است به گونه‌ای که در شبکه‌های اجتماعی و پام‌رسان‌ها بیش از کلمه و کلام، شکل‌ها و به اصطلاح استیکرها هستند که نقش انتقال معنا را بر عهده دادند و در هر لحظه و با توجه به هر موضوع و مقوله‌ی اجتماعی و حتی فردی، شکل جدیدی به خود می‌گیرند. نکته قابل توجه این است که در بحث ورد زبان‌های متعدد به فارسی مثلاً زبان عربی در فارسی «فارسی در بین زبان‌های ممالک متعددی که مغلوب تازیان شدند، وضع ممتازی دارد و توانسته است استقلال خود را حفظ کند و تأثیر عربی در آنها، تنها منحصر به ورود لغات و بعضی از قواعد است» (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۳۲). اما به شدت این استقلال در زمان کنونی دستخوش تغییر و انفعال شده و بخش قابل توجهی از زبان را دچار اختلال نموده است که می‌توان ابعاد و جنبه‌های متفاوت این امر را ناشی از موارد زیر دانست:

۳-۱. نفوذ فکری و اندیشگانی

فضای مجازی به واسطه‌ی بهره‌مندی از جذابیت متنوع، شکل‌پذیر بودن در قالب هر فکر، بعد

نرم افزاری منعطف و فکر شده و از همه مهمتر، هم فکری با هر حوزه‌ی اندیشگانی، می‌تواند درصد پذیرش پذیرش‌نوع فکر و چگونگی اندیشیدن را از سوی کاربران به حاکمیت خود در آورد و طبیعتاً ورود و تسری فکر در ذهن کاربر، میزان کاربرد اصطلاحات و نظام زبانی آن منبع نیز بشدت افزایش یافته و چونان یک منبع الهام در قوام بخشی و حتی تخریب منبع زبانی کاربران بصورت یک عامل فعال عمل می‌کند. در واقع محور فضای مجازی و فکر ناشی از آن موضوع اصلی زبان‌شناسی دوره‌های قرار خواهد گرفتو شکل تحول زبانیچه در سطح عوام و چه خواص، نقشی قوی‌تر و حتی مبنایی‌تر به خود خواهد گرفت.

۳-۲. نفوذ زیباشناسانه و ادبی

زبان هنری فضای مجازی کاملاً تحت تأثیر دو شاخه‌ی مهم هنری یعنی طنز و نقاشی بصورت فزاینده‌ی شکل کلمه را تغییر داده است. البته می‌توان گفت این تغییر و دگرگونی مختصزبان مجازی نیست و از اواخر دوره‌ی مدرن و شروع دوره‌ی پست مدرن این اتفاق در حال شکلگیری است. به عنوان نمونه می‌توان به شعر کانکریت و هنر خط و گرافیک به عنوان پیشتازان تلفیق تصویر در زبان اشاره کرد که نقش تعیین کننده‌ای در انواع ادبی معاصر ایفا می‌کنند. اما حضور تصویر و طنز به عنوان دو عنصر محرک هنری در فضای مجازی نقش بسیار پررنگتری به خود گرفته است، به گونه‌ای که تغییر در نظام آواها، شکل کلمات و استفاده از برجسب‌ها به جای جمله‌بندی از مهمترین خصایص آن گردیده است. زمانی که می‌توان از یک برجسب و شکلک تعجب همراه با طنز به جای جمله‌ی "دقیقا منظور سخنت را نفهمیدم" استفاده کرد- جمله‌ای که البته ممکن است در مخاطب ایجاد تکدر و حتی سوء برداشت نیز بکند- بشدت کاربر فضای مجازی را به سمت جایگزین کردن تصویر به جای کلام در سطح زبان نوشتار می‌کشاند و یا آنکه کاربرد سوگند "به قرع‌اان" به جای شکل درست آن، و وارد کرد چاشنی طنز به همراه تاکید در کلام، شکل نظام آواها و کلمات را به طرز فزاینده‌ای دستخوش تغییر کرده و بعضی از واژه‌هایمجازی بر اثر کوتاهی و طنزگونه بودن خود بر لغات معادل خود در زبان فارسیچیرگی یافته است. به نمونه‌های این گونه لغات در بخش بعدی این پژوهش اشاره خواهد شد.

۳-۳. کنش اجتماعی

حضور فضای مجازی و نرم افزارهای مرتبط با آن در اجتماعو فراگیری آن در سطح چند ده میلیونی و همزیستی فزاینده‌ی آنها با فارسی‌زبانان، یک جامعه‌ی موازی مجازی را در سطح شبکه‌ی کاربران تشکیل داده است. میزان رواج شبکه‌های اجتماعی در میان اینفارسی‌زبانان به واسطه‌ی همزیستی متناسب با نیازهای احیانا سرکوب شده‌ی این جامعه و نیاز افراد به شناخت و زیست در جامعه‌ای دیگر گونه‌تر از آنچه در آن هستند، باعث آن گردیده است که جامعه‌ی مجازی نقش کنشگرانه‌تری نسبت به جامعه‌ی پیرامون فرد ایفا کند و به تبع آن بتواند بر زبان کاربران خود تأثیر بگذارد. در مساله‌ی آموزش زبان، زیستدر جامعه‌ی آن زبان و تبادل و داد و ستد و گفتگو با اهالی آن فرهنگ از مهمترین عوامل یادگیری است زیرا شناخت قواعد یک زبان ضرورتا باعث ایجاد توانایی در بکارگیری اطلاعات آن زبان نمی‌شود. در واقع حفظ کردن به معنی هیچ چیز یاد نگرفتن است. و مهمترین عامل آموزش نقش جامعه و شرایط اجتماعی در یادگیری است. حتی این مساله در سال‌های نخستین شکل‌گیری زبان فارسی نیز نقش کلیدی بازی کرد و داد و ستد زبانی با تاثیر بر مقولات اجتماعی در آن دوران به اوج خود رسیده بود. رک: (ندا، ۱۹۹۱: ۴۸) و (همان: ۲۳۳) و (جاحظ، ۱۹۴۸: ۱۴۲).

۳-۴. بعد سانسورگریزی

از مهمترین و تأثیرگذارترین شاخص‌ها و عوامل نفوذ و رواج وام‌واژگان فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در زبان فارسی عبور کاربران از خطوط قرمز و گلوگاه‌های اخلاقی و سیاسی جامعه است که جذابیت و به تبع آن نفوذ این حوزه‌ی نشانگانی را در نزد کاربران دچار تغییر و تحول کرده و به نوعی تحت سیطره‌ی خود گرفته است. جلوه‌های متعدد عبور از محدودیت‌ها و تلقین احساس آزادی در اجتماع به عنوان یک محور مهم در تبعیت از زبان این کنشگر است که روند رو به اوجی را در اختلال آموزشی ایفا می‌کند و کاربر خود را بصورت ناخودآگاه محکوم به پیروی از نظام زبانی و دستورالعمل‌های فکری خود می‌گرداند و بالتبع این مورد در کنار دیگر شاخص‌ها یکی از اصلی‌ترین بحران‌های آموزش زبانی را رقم می‌زند؛ بحرانی که به منظور عبور از آن می‌بایست در گام نخست کلام هنجار درست را به مخاطب

آموزاند و در مرحله‌ی بعد با غلط‌های رایج و شکل نادرست کاربردی زبان که متأثر از فضای مجازیست به مقابله برخاست که این امر بحران آموزش را دوجندان می‌کند و راه را بر مخاطب زبان آموز دشوار می‌گرداند.

لذا باتوجه به آنچه در این مجال به لحاظ جنبه‌ها و علل آمیختگی و تلازم دو کاربرد زبانی بیان گردید با تأکید بر جذابیت زبان مجازی برای عوام، همچنین امپراتوری برتر آنو همچنین عدم کاربست زبان درست و هنجار در امور روزمره یا هل زبان بویژه فارسی زبانان و تأثیر فراگیر نه تنها در ساخت‌های نحوی و کلان، بلکه در نظام واژگانی و صوتیاً توجه به آماده بودن بستر سیاسی و اجتماعی جامعه و همسویی آن‌ها در این امر، تداخل زبانی گسترده‌ای در خود زبان فارسی قابل بررسی است که به وسعت زیادی در حوزه‌ی آموزش و البته ترجمه از فارسی به دیگر زبان‌ها تأثیر گذار است. کلام جعلی‌ای که در زبان معیار و هنجار فارسی نفوذ کرده و می‌کند و تغییر معنایو شکلی کلام، در جهت حفظ، آموزش و ترجمه‌ی زبان ایجاد اشکا خواهد کرد.

۴. گونه‌های تداخل‌های مخرب مجازی

گونه‌های متعدّد واژگان دخیلفضای مجازی را می‌توان در فارسی، به صورت‌ها و شاخصه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی نمود که از جهت کاربردی بودن، نوع واژه یا روش تغییر قابل بررسی هستند. اما این پژوهش بر آن است تا در سطح یک دسته بندی به انواع این واردات و تغییرها اشاره‌ای داشته باشد و مجال بحث بر سر نظام آن و تحولات ریشه شناسی آن برای پژوهشی دیگری باز خواهد بود. لذا می‌توان دسته‌بندی و چگونگی اثر گذاری آن را علی‌رغم بررسی واژگان دخیل، در موارد ذیل خلاصه نمود:

۴-۱. تغییرات واژگانی که در فارسی معیار کاربرد داشته اند اما شکل نوشتاری آنان تغییر کرده است:

این تغییر و تحول در کلمه به دلایل متعددی صورت می‌پذیرد، به عنوان نمونه می‌توان به تأثیر احساسات عاطفی در تحریف شکل واژه اشاره نمود. مثلاً استفاده از واژه‌ی "عجیجم" یا "عسیسم" به جای عزیزم. یا به کار بردن کلمه‌ی "قرعانا" به جای قرآن

نوع دیگر این دست تحریفات مربوط به خلاصه کردن کلمات می‌شود. در بعضی موارد بواسطه‌ی تأثیرپذیری از انگلیسی و مختصر نویسی لاتین، از واژه‌های خلاصه و حروف به عنوان یک کلمه‌ی کامل استفاده می‌شود. مثلاً کاربر مجازی به جهت خلاصه نویسی‌واژه « که » به حرف « ک»، یا شما را به "ی" تبدیل می‌کند.

اما یکی از مهمترین اشکالات رایج مجازی اشتباه‌های املائی است، یعنی استفاده از حروف هم‌آوا اما متفاوت در حوزه‌ی نوشتار؛ مثلاً می‌توان از واژگانی مانند «سپاسگذار» در جایگاه سپاسگزار، «عاااا» بجای آقا، "علکی" به جای الکی و یا «مطمعن» در جایگاه مطمئن یاد کرد که این بهره‌مندی و تحریف تقریباً دلیل خاصی نداشته و صرفاً یک حرکت طنز آمیز و به تعبیر کاربران یک حرکت "فان" تلقی خواهد شد.

۴-۲. تغییرات واژگان نوساخته‌ای که کاربردی در فارسی معیار کاربردی ندارند:

زبان شبکه‌های مجازی علاوه بر تحریف و یا تخریب کلمات به گونه‌ای دیگر در جهت سامان بخشی به زبان خود، دست به جعل واژه زده و حروف را در قالبی نو ریخته و به شکلی جدید و در معنای مورد نظر خود عرضه می‌دارد. برخلاف قسم بالا این کلمات در فارسی معیار کاربردی ندارد و صرفاً ظهور آن با فضای مجازی آغاز شده است. به عنوان نمونه می‌توان از کلماتی چونمفبری، هه لو، دپسرتم، عوجولم وول زدن، رلشه، ایستگاه کردن و... اشاره داشت. این موارد به همراه بسته‌ی کاملی از اصوات دیگر، پیکره‌ی زبان را بشدت دچار تهدید کرده و به تدریج ظهور آنها در کلام مردم کوچه و بازار باعث اختلال در تفکیک زبان حقیقی از زبان جعلیو ایجاد مانع در حوزه‌ی آموزش و ترجمه‌ی زبان می‌شود.

۴-۳. اصوات و مصوت‌هایی که برای بیان احساسات برساخته می‌شوند:

در این حوزه اصوات و صداآواهای متعددی مشاهده می‌شود که در زمینه‌های متعددی نقش بیان احساسات و حال گوینده را بر عهده گرفته است. ازین دست واژگان می‌توان به "خخخخخ" بجای صدای خنده، "عووووه" در جایگاه تعجب، "هعیسی" در جای افسوس و... اشاره داشت. این موارد البته به شدت و گستردگی موارد دیگر، ساختار زبان را تهدید

نمی‌کند اما تداول آن و به تدریج جایگزینی موارد مشابه آن در زبان هنجار می‌تواند موانع زیادی را در حوزه‌ی آموزش ایجاد کرده و تداخل زبانی را وارد مرحله‌ی جدیدی نماید.

۴-۴. تغییرات دستوری و نحوی در نظام زبانی شبکه‌های مجازی

یکی از مهمترین تحریفات و کنش‌های منفی فضای مجازی در ساختار زبان، در هم شکستن ساختار دستوری صحیح کلام و ورود به وادی شلخته‌نویسی و پراکنده نویسی است. به نحوی که زبان محاوره با تغییر بسیار گسترده‌ای وارد زبان نوشتار گفتگوها و محاورات شده و همین شکل نوشتاری که از محاوره الهام گرفته است، به مرور در زبان نوشتاری که تحت تاثیر مستقیم زبان معیار است تأثیرات مخربی می‌گذارد یعنی به مرور دستور زبان محاورات در دستور زبان نوشتار وارد شده و بر آن غلبه خواهد کرد. برای نمونه می‌توان از شکسته نویسی‌ها یاد کرد که پیش از آن در داستان و نمایشنامه نویسی و ترانه سرایی رواج داشته و به دلیل مخاطبان محدود و البته فرهیخته‌ی این دست متون، آنچنان وجه بحرانی‌ای نداشته است. اما به واسطه‌ی همگانی شدن فضای مجازی تبدیل به یک بحران زبانی گردیده و از یک روند معمول خارج شده است. مثلاً اینکبه جای «می‌روم» بگویم «میرم». یا به جای «گفته است» بگویم «میگه» از موارد مهم دیگر در شکستن ساختار نحوی، ساختن افعال جعلی است؛ ابداع افعال جعلی مثل جدید: مانند «بزنگم»، «هنگیدم» و «چتیدن»... ازین کنش‌های مخرب و منفی است که نقش گره افکنی در آموزش زبان بر عهده دارد.

اما یکی از مهمترین مواردی که در بافتار نحوی زبان شاهد آن هستیم، تقدم و تاخر، و تداخل واژگان بر روی محور همنشینی است که گاه زبان نوشتار را اساساً نامفهوم می‌کند که صرفاً می‌بایست گوینده‌ی متن در لابلای نوشتارش حضور داشته و با لحن خود آن متن را ادا کند. این اتفاق بشدت در فضای اینستاگرام مشاهده می‌شود و توضیحاتی که در پی نوشت‌های تصاویر عرضه می‌شود کاملاً گویای این نکته‌ی بحرانی است. متعاقباً در گفتگوهای تلگرامی و به تعبیر کاربران چت و کامنت‌های تلگرامی نیز این مساله و شکست در ساختار استاندارد زبان به وضوح مشاهده می‌شود که شاید بتوان گفت بزرگترین خطر در مساله‌ی آموزش زبان قلمداد خواهد شد.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های بنیادین در فرآیند آموزش زبان دوم، عبور زبان‌آموز از مرحله وابستگی به زبان مادری و ورود به مرحله‌ی درک و تولید زبان مقصد است. در این مسیر، پدیده‌ی **تداخل زبانی** یکی از موانع اساسی محسوب می‌شود که می‌تواند فرآیند تسلط بر زبان مقصد را مختل سازد. از مهم‌ترین جلوه‌های این تداخل، پدید آمدن گسیختگی، آشفتگی و عدم انسجام در ساختار زبان مقصد است که در نهایت به بروز نوعی سردرگمی شناختی و زبانی در ذهن زبان‌آموز منجر می‌شود. عوامل متعددی در بروز این اختلال نقش دارند؛ از جمله: نفوذ زبان‌های بیگانه، تأثیر لهجه‌ها در جریان یادگیری، کاستی‌های درون‌ساختاری زبان مقصد و به‌ویژه، در عصر کنونی، **تأثیرات زبان مجازی** و ساختارهای نوظهور حاصل از آن. فضای مجازی، به‌واسطه‌ی ویژگی‌های تعاملی و برهم‌کنش پیچیده‌ی مؤلفه‌های فکری، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی، بستری مناسب برای شکل‌گیری گفتمان‌های زبانی تحریف‌شده و دور از زبان معیار فراهم آورده است.

این تحول، به شکل خاص در حوزه‌ی آموزش زبان دوم و به‌ویژه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، بحران‌هایی را پدید آورده است که از حیث ماهوی و ساختاری، متفاوت با رویکردهای کلاسیک تداخل زبانی است. می‌توان ادعا کرد که زبان مجازی و فرم‌های زبانی متولدشده در بستر شبکه‌های اجتماعی، نقش فعالی در تحریف ساختار زبان معیار ایفا کرده و به‌عنوان یک نظام معنایی و زبانی موازی، موجب تداخل و ابهام در ذهن زبان‌آموز شده‌اند. بر مبنای یافته‌های پژوهش، می‌توان این تداخل زبانی را در **چهار حوزه‌ی کلیدی** دسته‌بندی و تحلیل کرد:

الف. تغییرات واژگانی در واژه‌های رایج زبان معیار که صرفاً از منظر نوشتاری دگرگون شده‌اند؛

ب. ورود واژگان **نوساخته** که فاقد ریشه یا کاربرد در نظام زبان معیار هستند؛

ج. **برساخت‌های صوتی و آوایی** که با هدف انتقال احساسات خلق شده و تابع نظام واج‌شناختی زبان نیستند؛

د. تحولات نحوی و ساختاری که در قالب گفتمان مجازی به سرعت گسترش یافته و نظم زبان رسمی را به چالش کشیده‌اند. این عناصر، در مجموع، سبب شکل‌گیری نوعی اعوجاج شناختی در ذهن زبان‌آموز می‌شوند. فرد زبان‌آموز، به دلیل پایداری روانی و ذهنی زبان مادری، در برابر ساختارهای زبان معیار واکنش تدافعی نشان داده و زمانی که این ساختارهای رسمی با دگرگونی‌های زبان مجازی نیز همراه می‌شوند، پیچیدگی یادگیری دوچندان می‌گردد. زبان‌آموز ناگزیر با دو تداخل موازی مواجه می‌شود: نخست، تداخل ناشی از زبان مادری، و دوم، تداخل ناشی از شکل تحریف‌شده‌ی زبان دوم در فضای مجازی. در نتیجه، عبور موفق از این گلوگاه نیازمند تدوین راهبردهای هدفمند در سطح سیاست‌گذاری کلان آموزشی و همچنین اختصاص منابع مالی و پژوهشی کافی برای پایش، تحلیل و مدیریت این چالش است. اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند به تسهیل فرآیند آموزش زبان فارسی و ارتقای کیفیت یادگیری در سطوح رسمی و غیرفرمال منجر شود.

منابع و مأخذ

- حسینیان، حسین (۱۳۶۶) مسأله‌ی تداخل در یادگیری زبان خارجی. مجله رشد آموزش زبان. بهار و تابستان. شماره ۱۱ و ۱۲: ۷-۹.
- جاحظ، (۱۹۴۸م.). البیان و التبيين. به کوشش عبدالسلام هارون. بیروت: دارالجليل.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۷). تاریخ مختصر زبان فارسی از آغاز تا کنون. تهران: زوار.
- ندا، طه (۱۹۹۱م.). الأدب المقارن. بیروت: دارالتهضة العربیة.
- Freeman, Linton(2006) *The Development of Social Network Analysis*. Vancouver: Empirical Pres, 2006; Wellman, Barry and S.D. Berkowitz, eds. , 1988. *Social Structures: A Network Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wellman, Barry and S.D. Berkowitz(1988) *Social Structures: A Network Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Scott, John(1991) *Social Network Analysis*. London: Sage